



در این شماره :

آبان قزاقستان

ارتقاء سطح آگاهی، سازماندهی مبتنی بر شرایط مشخص و بسیج نیرو و نقطه های درخشان در مبارزات معلمان

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست:
بگتاش آبتین شاعر و فیلم ساز را جمهوری اسلامی به زندان انداخت و کشت

”بگذار برخیزیم“

پیام تسلیت بمناسبت درگذشت فدائی کمونیست رفیق مسعود دقیقی اصل

پیام تسلیت بمناسبت درگذشت رفیق سعید نصیری (سهرابی)

درسهائی از اعتصاب تظاهراتی معلمان فرانسه

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

آبان قزاقستان

نوشین شفاهی

سال ۲۰۱۳ که تقریباً ۱۴ هزار دلار بوده است. بانک جهانی، رشد اقتصادی قزاقستان در سال ۲۰۲۱ را فقط ۳/۵ درصد پیش بینی کرده و در سالهای پیش رو هم، آهنگ بسیار کندی را در این ارتباط احتمال میدهد. توصیه بانک جهانی به قزاقستان تقویت رقابت اقتصادی و محدود کردن نقش شرکتهای بزرگ دولتی در اقتصاد است تا بتواند با نابرابری های اجتماعی مقابله کند و قادر باشد فضای اقتصادی بیشتری را در کشور فراهم کند، که دولت توکانف در تامین این مقتضیات



ناتوان مانده و اوضاع را کد اقتصادی را بغرنج تر از پیش با بحران مواجه کرده است. قزاقستان اگرچه از لحاظ درآمد سرانه در موقعیت بهتری نسبت به بقیه کشورهای آسیای مرکزی قرار دارد ولی نیمی از جمعیت آن به جوامع روستایی و اکثراً در حاشیه، و با دسترسی بسیار اندک به خدمات عمومی تعلق دارد که بیش از یک میلیون نفر از جمعیت ۱۹ میلیونی آن زیر خط فقر زندگی میکنند. این در حالیست که درآمد به غارت رفته از منابع طبیعی آن، اقلیت معدودی را بسیار ثروتمند کرده است. اقتصاد این کشور با تورمی ۹ درصدی روبروست که سرعت آن از پنج سال پیش شدت بیشتری بخود گرفته است آنچنانکه، بانک مرکزی با نگرانی به وخامت روزافزون آن، نرخ بهره را به ۹/۷۵ درصد افزایش داده است.

این اوضاع بحرانی اقتصاد با حضور دو سال پندومی کرونا، فشار بیشتری را بر طبقه کارگر و اقشار فقیر جامعه وارد کرده و شکاف طبقاتی هرچه بیشتری را به همراه

سال ۲۰۱۹، نظریات (از اعضای سابق دفتر سیاسی شوروی) که در این سی سال در مقام رهبری قزاقستان بوده و در سال ۲۰۱۹ مجبور به استعفا شد ولی در باور توده ها بعنوان قدرت واقعی پشت پرده تلقی شده است. نفوذ او در سیاستهای دولت توکایف، او را به سمبل سرکوب و نابرابری کشور تبدیل کرده است. و با اینکه سه سال از قدرت گیری توکایف میگذرد، آزادی احزاب و فعالیتهای سیاسی هنوز در محدوده تنها حزب رسمی کشور دور میزند و نیز اگرچه اینکه این اعتراضات کنونی ظاهراً با مطالبات و انگیزه های اقتصادی اوج گرفته است ولی سرکوب مخالفین و فقدان دموکراسی در جامعه، زمینه ساز خواسته های سیاسی ای شده است که رژیم نظریات و دولت توکایف را با تهدیدات جدی روبرو کرده است.

زمینه های بحران اقتصادی

مطابق داده های بانک جهانی، سرانه ناخالص داخلی قزاقستان در سال ۲۰۲۰ چیزی در حدود ۹۰۰۰ دلار برآورد شده که کمتر از

اعتراضات اخیر توده های مردم در قزاقستان که در پی حذف سقف های قیمت بر سوخت بوتان و پروپان رخ داد، شرایط سیاسی را در این کشور و احتمالاً در کشورهای مجاور در منطقه بشدت بی ثبات کرده است. این نوع سوخت که در بین مردم بدلیل هزینه پایین آن به "سوخت جاده برای فقرا" معروف گشته با افزایش قیمت بیش از دو برابر، بشدت پیامدی معکوس داشته است. این اعتراضات که در مدت زمان کمی گسترده و به دیگر نقاط کشور سرعت بسط پیدا کرده بر متن یک نارضایتی وسیعتری که ریشه در فساد دولتی، نابرابری درآمدها و معضلات اقتصادی که عموماً با اپیدمی کرونا تشدید شده اند دارد در حال حاضر ثبات سیاسی دولت توکانف را بطور جدی متشنج کرده است.

طغیان توده های قزاقستان بی گمان برای مردم ایران یادآور آبان ۹۸ است که بدنال بالا بردن قیمت بنزین، آتش خشم توده های ستمدیده را آنچنان شعله ور کرد که امواج آن هنوز هم در فضای سیاسی ایران در خیز است.

همانطور که آبان ۹۸ تنها نوک یک کوه عظیم یخی بود که محصول چندین دهه فساد و دزدی و جنایت رژیم اسلامی است، خشم مردم قزاقستان هم ریشه در معضلات فراتری از افزایش قیمت بنزین دارد که در زمانهای مختلفی در شکل اعتراضات خیابانی، اعتصابات و اجتماعات توده ای کمابیش گسترده، خود را نشان داده است.

از سقوط اتحاد جماهیر شوروی سی سال میگذرد ولی تسلط رژیم نظریات بر سیاستهای قدرت حاکمه همچنان ادامه داشته است و اکنون این جنبش توده ای اراده کرده است که کنترل دراز مدت و مطلقه نظریات را برای همیشه به تاریخ بسپارد. اگرچه در

آورده است. ولی در مقابل، تعلل دولت توکایف در اقدام به هرگونه اصلاحات سیاسی-اقتصادی در جهت کمک به انتشار آسیب پذیر، عملاً ناکامی و ناکارآمدی خود را به نمایش گذاشته است که نتیجه اش هم، همین قیامهای توده ای است که شاهد آنیم.

در دفاع از جنبشهای کارگری

مردم غرب قزاقستان که پیشقراول این اعتراضات بوده اند از سابقه مبارزاتی بیشتری برخوردارند. اعتصابات کارگران نفت در سال ۲۰۱۱ با حملات پلیس و پاکسازی کمپ های آنها به خشونت کشیده شد. اکنون این کارگران و اقتدار دیگر زحمتکش با مطالبات و خواسته های خود در جهت بهبودی شرایط زندگی شان بار دیگر بپا خاسته اند ولی خشمگین تر و مصمم تر از قبل. سرخوردگی در تعقیب اشکال مسالمت آمیز و مدنی برای طرح خواسته های اجتماعی، نه اطاعت و سرسپردگی جمعی، بلکه اکثرا عصیان و تمرد عمومی را بدنبال داشته است.

طبعاً قابل درک است که چرا توده های مردم در آلمانی بخود حق خواهند داد که به فروشگاهها، بانکها و سوپرمارکتهای شهرهایشان یورش ببرند و قتیکه دولت خواسته های مردم را غیر واقع بینانه ارزیابی کرده و فرمان قتل آنان را صادر میکند.

ساختار سیاسی-اقتصادی دولت فاسد است و همانند خاندانهای هزار فامیلی آیت الله ها و سردارهای رژیم اسلامی، نیوتیسم(خویشاوند بازی)، انحصار ارگانهای قدرت را به نزدیکان و اقوام نظربایف و توکایف سپرده است و امکانی برای راه گشایی از این بحران و عملی شدن بخشی از مطالبات مردم در چارچوب این مناسبات غیر ممکن بنظر میرسد. حتی استعفای دولت و اخراج سمت آبی، شخص دوم پلیس امنیتی (که خواهر/ برادرزاده نظربایف است) توسط توکایف، برای جلب اعتماد مردم و امید به اصلاح و بهبودی اوضاع کاری از پیش نبرده است. همچون گرگی زخمی و پشت به دیوار، توکایف هم مانند همپالگی هایش در ایران، زبانی جز زبان گلوله و کشتار و خفه کردن صدای مردم ندارد. ثبات سیاسی با هر بهایی باید برقرار شود و برگرداندن هرچه سریعتر ثبات سیاسی به کشور برای قدرت حاکمه

بسیار حیاتی است. چرا که تضمین آسودگی خاطر سرمایه گذاران غربی، که منافع قابل توجهی در میدانهای نفت و گاز غنی قزاقستان دارند، در گرو آن قرار گرفته است.

واقعیت امر این است که قزاقستان همچون هر کشور بحران زده دیگری، وارد دوره ای از تحولات سیاسی شده است که بازتاب پیامدهای آن با نقش آفرینی توده های در صحنه رقم خورده است. اکنون که با دهها کشته و هزاران مجروح و بازداشتی و اعلام وضعیت اضطراری و بویژه حضور نیروهای روسی در کشور، این موج ناآرامی محتملاً تشدید شده و مطالبات سیاسی با ابعاد بیشتری در مقابل توده ها قرار خواهد گرفت. قیام توده ای در این کشور نه رخدادی اتفاقی، بلکه با سیاستهای سرکوبگرانه و عدم تحمل هرگونه انتقادی از سوی مخالفین در طی سی سال گذشته، پدیده ای کاملاً قابل انتظار بوده است.

همانطور که در هر خیزش توده ای، اقتدار و گروه های مختلف با انگیزه ها و منافع طبقاتی شان حضور پیدا کرده و در آن مشارکت میکنند، جریانهای ارتجاعی و ضدانقلابی هم فرصت سازماندهی، صف آرایی و عضوگیری خواهند یافت، و اعتراضات توده های قزاقستان هم از این قاعده مستثنی نیست. حضور ناسیونالیستها و فاشیستهای اسلامیت، دسته جات زینوفوییک، و همینطور احزاب اپوزیسیون بورژوازی هم در تلاشند که از این موقعیت استفاده کرده و سمت و سوی اعتراضات توده ها را بسوی اهداف خود خم کنند. اعتراضات توده ای اگر زیر پرچم مبارزات و مطالبات کارگران و سازمانهای کارگری نروند شرایط را برای مصادره و انحراف این اعتراضات توسط این جریانهای ارتجاعی مساعد خواهند کرد. آنچه که ما هم اکنون در قزاقستان شاهد آنیم بی تردید جلوه ای دیگر از بحران جهانی یک سیستم راکد است. این بحران همانند دیگر بحرانهای سرمایه داری در اقصاء نقاط جهان گذشته ای چندین ساله دارد که بسیار فراتر از گرانی بنزین است. این جنبش با اعتراض به بیکاری، گرانی، و کمبود آب آشامیدنی آغاز گشته ولی ناگزیر و در نتیجه این خشونت عریان و محض ناگزیر خود را با مطالبات و اهداف سیاسی متحول خواهد ساخت. هم اکنون که خواهان استعفای دولت و دیگر مقامات محلی

هستند و رو به نظریوف شعار "برو پیرمرد برو" سر میدهند، در واقع با سمبل قدرت مطلقه سیاسی در کشور در افتاده اند، همان درکی که توده های مردم ایران در ارتباط با خامنه ای و نقش او در سیاستها و تصمیمات ارگانهای دولتی دارند. خیزش توده ها علیه سیاستهای ضد مردمی و علیه پیامدهای کمربند بحران اقتصادی نقطه اشتراکات زیادی با جنبش اعتراضی ایران و اعتصابات صد هزار نفری کارگران نفت و قیام آبان ماه دارد که در اکثر کشورهای مجاور این مشابهت هم مصداق پیدا میکند. پتانسیل اوجگیری خیزشهای منطقه ای و توده هایی که خود را هم-هویت با کارگران و مردم ستمیده قزاقستان و ایران می بینند، دولتهای منطقه را هم بشدت نگران کرده است که نکند تونس و بهار عربی دیگری سر در بگیرد.

هر شورشی مانند شورش توده ای در ایران و جنبشهای اجتماعی دیگر کشورها در سالهای اخیر، اگر نخواهد که در نطفه خفه اش کنند و سرکوب شود باید دریابد که طبقه کارگر نقش کلیدی را ایفا میکند. همانطور که همیشه اتفاق می افتد، دلایل مادی ای که کارگران را به خیابانها می کشاند همواره به شرایط فلاکت بار معیشتی و کاری ناشی از بحران اقتصادی وصل بوده است و هر زمان که مبارزه اش را به خیابانها آورده مورد وحشیانه ترین حملات و سرکوب آشکار قرار گرفته است. و در نهایت، مبارزه اش یا طعمه میراث خواران حرفه ای و فرصت طلب شده است و یا در درون نظام و با پراکنده کاری فرسوده گشته است. هر کجای این دنیا هم که باشد اگر طبقه کارگر با پرچم و برنامه خودش، با حزب و سازمانیابی خودش بمیدان نیاید، خلاء رهبری توسط گروه ها و نیروهای ارتجاعی و متخاصم پُر خواهد شد. پُر توان باد مبارزات کارگری و جنبشهای حق طلبانه اجتماعی.

نوشین شفاهی

۱۰ ژانویه ۲۰۲۲

ارتقاء سطح آگاهی، سازماندهی مبتنی بر شرایط مشخص و

بسیج نیرو

نقطه های درخشان در مبارزات معلمان

اصل ۳۰ قانون اساسی»، «استخدام رسمی معلمان خرید خدمت»، «اجرای ماده ۶۴ قانون مدیریت خدمات کشوری» و «پاداش پایان خدمت بازنشستگان ۱۴۰۰» بتاراج بردن سرمایه فرهنگیان در صندوق ذخیره "عدم پرداخت پاداش پایان خدمت سال ۱۴۰۰ آموزش رایگان و آموزش به زبان مادری، آزادی معلمان زندانی مطالباتی هستند که معلمان در تجمع‌های اعتراضی دنبال می‌کنند.

یکی از درخشان ترین تاکتیک های مبارزاتی معلمان، تلاش برای ارتقاء سطح آگاهی، سازماندهی و بسیج در سطح سراسری است که موفقیت بزرگی محسوب میشود و تردیدی نیست که تداوم مبارزه، افزایش سطح آگاهی و تشکل بنوبه خود اتکا به نفس مبارزین را افزایش داده و سطح خواست ها و مطالبات را نیز ارتقاء خواهد داد و تداوم مبارزه و اتحاد معلمان زحمتکش با سایر جنبش های اجتماعی صفوف آنها را گسترده و منسجم تر کرده و موانع پیروزی را از پیش پا بر خواهد افکند.

در اینجا محض آشنائی بیشتر خوانندگان نشریه با روند مبارزات و مطالبات معلمان متن مصاحبه "ابولفضل رحیمی شاد" یکی از اعضای "کانون صنفی معلمان" کشور با یکی از خبرنگاران ایران و ایر را بازنشر میکنیم.

**

چرا معلمان به تجمعات خیابانی روی آورده‌اند؟ آیا این حضور سراسری می‌تواند بدنه جامعه را نسبت به مشکلات شما آگاه کند؟

- استفاده از خیابان قطعا انتخاب اول ما نیست. خوب است مردم بدانند معلمان وقتی به خیابان آمده‌اند که چندین سال گفت‌وگو، درخواست و



مبارزات کنونی معلمان محسوب میشود و همچنین الگویی است برای متحد شدن سایر کارگران و زحمتکشان که اغلب اعتراضات شان بصورت پراکنده صورت می‌گیرد و در نتیجه اثربخشی شان کمتر است کارگران و زحمتکشانی که هنوز نتوانسته اند به یک برنامه مطالباتی و اقدامات اعتراضی سراسری سامان دهند می‌توانند از نحوه سازماندهی و همگامی معلمان تجربیات لازم را کسب کنند. علاوه بر آن پافشاری معلمان پیشرو به ادامه مبارزه بتدریج بخش وسیعی از معلمان را که قبلا از این حرکت ها غایب بودند به سمت مبارزه و همگامی با صفوف معلمان معترض جلب نموده است و در این روند بتدریج کانون های مختلف معلمان در شهرها و شهرستانها و روستاها شکل گرفته است و حاصل این تلاش ها، شکل دادن به اعتصابات، اعتراضات و تجمعات سراسری است که هم اکنون جریان دارد.

مطالبات معلمان در این دوره «همسان سازی حقوق بازنشستگان»، «اجرای درست رتبهبندی به جای سرهم بندی»، «آزادی معلمان زندانی»، «آموزش رایگان طبق

تجمعات و تظاهرات معلمان برای تحقق خواست هایشان همچنان ادامه دارد. در ماه های اخیر برغم احضار ده ها نفر از معلمان و نیز دستگیری تعداد دیگری از فعالین و دبیران کانون های صنفی در شهرستان ها اما اعتراضات معلمان بطور متوالی ادامه دارد. معلمان زحمتکش کشور که مسئولیت بزرگ تعلیم و تربیت نسل جوان و سازندگان آینده جامعه را برعهده دارند از محرومترین اقشار جامعه محسوب می‌شوند که با رشد تورم و افزایش روزانه قیمت مایحتاج اولیه زندگی از یک سو و تضییقات و تبعیضات مختلف در سطح آموزش و پرورش و بطور کلی وضع اسفبار نظام آموزشی کشور از سوی دیگر موجب فوران خشم و اعتراضات آنها در سال های اخیر بوده است که به همراه کارگران و سایر زحمتکشان ضمن طرح مطالباتی خواستار تغییرات اساسی در وضعیت کنونی سیستم آموزش و پرورش هستند.

معلمان برغم سطوح متفاوت حقوق و جایگاه و مطالبات شان اما در طی فراز و نشیب بسیار توانسته اند حول خواست ها و مطالبات مشترک خود متحد شوند این اقدام نقطه قوت

مطالبه‌گری، چه به صورت مکاتبه و گفت‌وگو و چه حتی در جلساتی غیررسمی و دوستانه که با نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دولتی‌ها برگزار می‌شدند، ادامه داشتند. با تاکید بگویم، هیچ کدام از آن صحبت‌ها فایده‌ای نداشته است.

خیابان فضایی است که مردم حق دارند برای مطالبه‌گری از آن استفاده کنند. حضور در خیابان، حداقل دو اثر دارد؛ یکی آگاه‌سازی و جلب افکار عمومی است. هر چه قدر هم بگویم «رسانه» تاثیرگذاری بیشتری دارد ولی وقتی رسانه مردمی نداریم، حضور خیابانی موثرتر از هر چیز دیگری است. شهروندان، اصناف و گروه‌های فاقد رسانه باید از آن به‌عنوان رسانه استفاده کنند؛ آن هم وقتی هیچ گروهی از امکانات رسانه ملی برخوردار نیست. در نتیجه، خیابان می‌تواند نقش رسانه را بازی کند.

مساله دیگر، تقویت جامعه مدنی است که در ایران بسیار نحیف است. یکی از کارکردهای حضور خیابانی، تقویت جامعه مدنی است. نیروی انتظامی و امنیتی در خیابان باید ضامن امنیت و نظم گروه‌های معترض باشد. این را هم ما و هم آن‌ها باید یاد بگیریم.

چه مطالبه‌ای از وزارت آموزش و پرورش، دولت یا مجلس دارید؟

- خیلی ساده اگر بگویم، این که به قوانین و مصوبات عمل کنند. ما معلمان وقتی در اعتراضات شرکت می‌کنیم، مطالبه‌ای جز رعایت حق و حقوق خود نداریم؛ اجرای قانونی که از ۲۰ سال قبل مصوب شده اما اجرا نشده است. آن‌ها می‌گویند بار مالی دارد ولی از نظر ما، بی‌اهمیتی آموزش و پرورش در نظام است. ما چیز اضافه‌ای از دولت‌ها یا از مجلس نخواسته‌ایم؛ [چیزی را می‌خواهیم] که آن‌ها مدعی آن هستند و شعارش را می‌دهند ولی اصلاً در عمل نمی‌بینیم. آن‌ها بحث عدالت و کرامت را مطرح می‌کنند. این دولت که به صورت صریح و آشکار آن را مطرح کرده است، دولت «محمود احمدی‌نژاد» هم مدعی عدالت بود و دولت «حسن روحانی» نیز می‌گفت می‌خواهد حقوق شهروندی شهروندان را بدهد. متأسفانه در هیچ کدام از این دولت‌ها ندیدیم که براساس قانون با مطالبات ما برخورد کنند.

چرا کادر اداری یا مستخدمین مدارس در این طرح نیستند؟

- «یوسف نوری»، وزیر آموزش و پرورش اعلام کرده بود تعداد فرهنگیان که مشمول طرح رتبه‌بندی می‌شوند، ۷۸۰ هزار نفر است. اگر از حرف وزیر فاصله بگیریم، می‌شود گفت دو نگاه وجود دارد؛ طرح رتبه‌بندی وقتی که مطرح می‌شود، یعنی معلمان به تلاش بیشتر تشویق خواهند شد تا بازدهی آن‌ها بالاتر برود؛ یعنی معلمان در چند رتبه تقسیم شوند و بر اساس آن، دستمزد دریافت کنند. به نظرم اگر درست انجام شود، عین عدالت است. اما برخی می‌گویند این باید شامل کل آموزش و پرورش شود. ویژگی رتبه‌بندی برای آن‌ها که فعالیت متفاوتی دارند، فرق می‌کند. ولی این رتبه‌بندی نه فقط می‌تواند برای تمام مزدبگیران دولت که برای همه افراد مزدبگیر، چه در بخش خصوصی یا دولتی انجام شود. این کاملاً معقول و باعث تحقق عدالت می‌شود.

یک نکته‌ای را باید در نظر بگیریم و آن، انسانیت و کرامت انسانی است. این که فردی دکتر است یا سرایدار مدرسه و یا راننده تاکسی و نظافت‌چی خانه، هیچ ربطی به نیازهای پایه‌ای که باید برطرف شوند، ندارد؛ مثلاً میزان توانایی من برای تهیه مسکن، حالا به صورت خرید یا اجاره، پوشاک، غذا، بهداشت، امنیت، آموزش. این‌ها چیزهایی هستند که تمام اعضای جامعه باید از آن‌ها برخوردار باشند.

اگر قرار باشد مفهومی به نام رتبه‌بندی اجرا شود، همه حقوق‌های کمتر از ۹ میلیون و ۱۰ میلیون تومان که زیر خط فقر هستند، باید از آن برخوردار شوند. فرقی هم ندارد در چه سمتی؛ مدیر باشد یا سرایدار. باید همه آن‌ها که شغل مشابهی دارند، مثل معلمان رتبه‌بندی شوند. این اتفاق می‌تواند بین کارمندان اداری هم اجرا شود اما هر کدام در یک ضابطه خاص خودش. آن چیزی که حالا در لفظ قانون هم آمده است، معلم فردی است که به سر کلاس می‌رود، نه الزماً کسی که در استخدام آموزش و پرورش قرار دارد.

با توجه به تصویب لایحه در مجلس و ارسال آن به شورای نگهبان، آیا دولت به این مطالبه توجه کرده است؟

- خیر، دولت توجهی نکرده است. آن چیزی که ما باخبریم، این است که دولت طرح را با رقم ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای سال جاری و ۲۵ هزار میلیارد تومان برای سال آینده به مجلس داد. این بسیار متفاوت از چیزی است که قرار بود باشد.

موقعی که طرح در سال گذشته بعد از ۱۰ سال بلاتکلیفی اجرا شد، بنا شد برای اجرا در سال جاری، ۶۰ هزار میلیارد تومان بودجه به آن اختصاص یابد. بعد گفتند این مبلغ نیاز نیست و با ۵۰ هزار میلیارد تومان هم قابل اجرا است. گفتند برای یکسال این بودجه را نداریم، شش ماه می‌توانیم انجام بدهیم. این‌جا رقم رسید به ۲۵ هزار میلیارد تومان. بعد رفت در سازمان برنامه و در نهایت در روزهای پایانی دولت روحانی ابلاغ شد به مجلس. سپس آمدند و گفتند امکان پرداخت این مبلغ نیست و باز آن را نصف کردند.

متأسفانه همکاران و دوستان ما که برای گفت‌وگو و چانه‌زنی رفته بودند، عقب‌نشینی کردند. هر دوره از این اشتباهات رخ داده است. در نهایت این رقم رسید به ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان. ولی برای سال ۱۴۰۰ به احتمال زیاد اصلاً امکان تامین بودجه برای همان هم وجود ندارد.

اگر این ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای سه ماه باشد، برای یکسال می‌شود ۵۰ هزار میلیارد تومان. با توجه به آن ۲۰ درصد افزایش سالانه حقوق‌ها، برای سال ۱۴۰۱ باید می‌شد ۶۰ هزار میلیارد تومان اما در کمال تعجب برای سال آینده هم می‌گویند ۲۵ هزار میلیارد تومان. می‌پرسیم چرا؟ می‌گویند آن ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای شش ماه است. خب این دقیقاً فریب و بازی کردن با اعداد است. طبیعی است که معلمان ناراضی باشند.

آیا صدور احکام زندان، احضار و بازداشت‌های متعددی که قبلاً یا به تازگی و پس از تجمعات سراسری رخ داده، تاثیری در پی‌گیری مسایل صنفی معلمان داشته‌اند؟

- مساله همکاران ما که به واسطه فعالیت صنفی در زندان هستند، چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد یا کسی از آن مطلع نباشد. اگر تجمعات معلمان را پی‌گیری کنید، در آن‌ها شعارهایی (قبل از این که قطع‌نامه‌های پایانی خوانده شوند) در حمایت از معلمان زندانی سر

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست: بکتاش آبتین شاعر و فیلم‌ساز را جمهوری اسلامی به زندان انداخت و کشت

بکتاش آبتین شاعر و فیلم‌ساز جسور و مبارز و عضو کانون نویسندگان جان باخت. او همراه با نویسندگان دیگر رضا خندان (مهابادی)، کیوان باژن و آرش گنجی در زندان جمهوری اسلامی به کرونا مبتلا شده بود. بر اساس اطلاع‌رسانی‌های کانون نویسندگان، بکتاش آذرمه در زندان درگیر کرونا شد اما زندانبانان مانع از انتقال او به بیمارستان شدند و تنها هنگامی که حال او وخیم شد او را به بیمارستان طالقانی برده و با غل و زنجیر به تخت بستند و پس از آن که معالجات در آنجا موثر واقع نشد، به درخواست خانواده‌اش به بیمارستان دیگری منتقل شده و پزشکان ناچار شدند او را در کمای مصنوعی قرار داده تا شاید حال او بهتر شود اما متأسفانه پس از چند روز بکتاش جان باخت.

خبر جان باختن آبتین با انزجار افکار عمومی و با واکنش زندانیان سیاسی بند ۸ زندان مواجه شد. آن‌ها با سردادن شعار مرگ بر دیکتاتور دست به اعتراض زدند. آنان از سالن‌های مختلف در محلی که بکتاش در آن زندانی بود، تجمع کرده و در حضور رئیس بند و مسئولین زندان علیه رژیم شعار دادند و آن‌ها نیز مجبور به ترک سالن شدند.

بی‌تردید جمهوری اسلامی قاتل بکتاش آبتین است. جرم او و دیگر نویسندگان دفاع از آزادی و تلاش برای تحقق اهداف کانون نویسندگان یعنی «دفاع از آزادی اندیشه و بیان و قلم بدون هیچ حصر و استثناء» بوده است. شرایط سخت و قتل‌های سیستماتیک در زندان‌های جمهوری اسلامی و کشته شدن نویسندگان در این رژیم، نکته تازه‌ای نیست در گذشته سعید سلطانپور، محمد مختاری، محمد جعفر پوپنده و ... و امروز بکتاش آبتین شاعر و فیلم‌ساز جسور و آزادمش نیز بر انبوه جانباختگان راه آزادی افزوده شده است. ما جان باختن بکتاش آبتین را به خانواده وی به کانون نویسندگان و همه آزادی‌خواهان تسلیت گفته و جمهوری اسلامی را مسئول قتل بکتاش آبتین می‌دانیم و خواستار آزادی دیگر نویسندگان و همه زندانیان سیاسی بوده و از تجمع زندانیان اوین در اعتراض به قتل آبتین حمایت می‌کنیم. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست باور دارد که با همبستگی و همیاری فعالین و افراد همه‌نهادهای آزادی‌خواه و سوسیالیست و پیشروان جنبش‌های اجتماعی و کنشگران جنبش نان و آزادی و اداره شورایی، می‌توان دامنه اعتراضات از پایین را گسترش داده و شرایط برای بزیر کشیدن این رژیم ارتجاعی و برقراری آزادی و برابری را فراخ‌تر کرد.

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

ژانویه ۲۰۲۲ / دی ماه ۱۴۰۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

داده شده است. چرا که آن‌ها برای دفاع از حقوق همه معلمان، چه معلمانی که در میدان حاضر و مطالبه‌گری می‌کنند یا معلمانی که به هر دلیلی حاضر نمی‌شوند، به زندان افتاده‌اند. طبیعی که درخواست آزادی آن‌ها از سوی همه ما مطرح شود. آن‌ها کسانی هستند که برای ما در میدان حاضر شده و اعتراض کرده‌اند. الان هم دارند هزینه‌های این اعتراض را می‌دهند. مطمئن باشید این کار معلمان را راسخ‌تر می‌کند.

این که تصور شود این افراد پیشرو و رهبر بوده یا افراد دیگر را تحریک کرده باشند، کاملاً نگاه اشتباهی است. حتی وقتی «اسماعیل عبدی» در زندان است، معلمان به خیابان می‌آیند. «رسول بدایق» را که به تازگی گرفتند، خودتان دیدید که واکنش معلمان بسیار بسیار تندتر بود. در شهرستان‌ها هم هر جا با فعالان صنفی برخورد شده است، همکاران با شدت بیشتری مطالبه‌گری خودشان را پی‌گیری کرده‌اند. این تصور که با محدود کردن افراد یا احضارشان برای بازجویی و یا زندانی کردن آن‌ها می‌توان مانع مطالبه‌گری معلمان شد، کاملاً اشتباه است.

چرا معلمان بازنشسته هم به خیابان آمده‌اند؟

- قانونی وجود دارد تحت این عنوان که حقوق پرسنل بازنشسته آموزش و پرورش نباید از ۹۰ درصد شاغلین کمتر باشد؛ یعنی می‌تواند بیشتر هم باشد. ولی رعایت نشده است. این نادیده گرفته شدن بازنشستگان در لایحه رتبه‌بندی موجب می‌شود که حق آن‌ها بیشتر تضعیف شود. اگر بازنشستگان مصرانه مطالبه نکنند، حق‌شان در کنار رتبه‌بندی و همسان‌سازی دیده نخواهد شد. در فاصله بسیار کوتاهی هم این فاصله زیادتر خواهد شد.

انتظار یا پیش‌بینی شما از آینده فعالیت صنفی چیست؟

- انتظار نوعی توقع است. پیش‌بینی ولی سعی می‌کند واقع‌نگرانه باشد. پیش‌بینی این است که اگر به مطالبات پاسخ در خور داده شود، معلمان یاد می‌گیرند با حرکت‌های جمعی صنفی، مطالبه خود را محقق کنند. یاد می‌گیریم مدنی‌تر زندگی کنیم و آموزش‌های مدنی را دنبال کنیم. معلمان هم به فعالیت صنفی روی می‌آورند. حضور معلمان در تشکل‌های صنفی به آن‌ها قدرت می‌دهد. مطالبه‌گری آن‌ها به عنوان یک گروه مرجع باعث می‌شود سایر اقشار جامعه، مثل کارگران و ... نیز یاد بگیرند و به سمت تشکل‌یابی حرکت کنند.

“بگذار برخیزیم”

“ستاره سرخ”

چند سر دیکتاتوری عمامه حتی جانمان را از دست بدهیم. اما اگر شانسمان را امتحان نکنیم چه چیزی عایدمان خواهد شد؟ چند سال دیگر مترسکهایی میشویم که وقتی کودکانمان از آزادی و عدالت سخن میگویند باید سرمان را پایین بیندازیم و خودمان را به نشنیدن بزنیم مبادا که آنها بدانند ما در روزی که فرصت داشتیم از شانسمان استفاده نکردیم.

لنین در بحبوحه ی انقلاب اکتبر و در جواب به آنها که شکست انقلابیون را محتمل میدانستند گفت: “تاریخ مردان و زنانی را که امروز فرصت انقلاب و تغییر را داشتند اما تعلل کردند و فرصت را از دست دادند نخواهد بخشید.”

انتخابش با ماست که در ادامه چه کنیم، باقی روزهای عمرمان را هم بشماریم تا لحظه ی مرگمان فرارسد و در همان سکون و سکوتی بمیریم که به دنیا آمدیم آن هم بدون حتی کوچکترین تلاشی برای تغییر یا از فرصتمان استفاده کنیم و برای یک دگرگونی شگرف گام برداریم، تغییری که شاید برای خیلی از ما هزینه های گزافی داشته باشد اما قطعاً نتیجه اش میتواند ما را از زیر یوغ استعمار و استثمار رهایی بخشد. بنظر زمان انتخاب فرا رسیده ، شما جزو کدام دسته خواهید بود؟

دلاورانی که نتوانستند در هیاهوی ظلم و ستم خودشان را به خواب بزنند و با درک درستی از عمق فاجعه و برای تغییری شگرف وارد عمل شدند با ترسهایشان روبرو شدند و برای سرنگونی ظلم جنگیدند یا گروهی که چشمانشان را بروی حقیقت بستند به گمان اینکه از دست آنها کاری برنخواهد آمد و باید جبر زمانی و مکانی را پذیرفت؟ شما انسان بودن را با تمامی صفات و ویژگی های مثبتش ترجیح میدهید یا مترسک بودن و سکون و سکوتش را؟!

به قول مارکس: آنها(دیکتاتورها) از آنرو به نظر بزرگ می آیند که ما جلوییشان زانو زده ایم؛ پس بگذار برخیزیم...

“ستاره سرخ”

تحمل نیست" گول میزنیم. اما برآستی انسان بودن یعنی همین؟!

یعنی لقمه نانی جلویمان بیندازند(تازه آن هم اگر شانس بیاوریم!) و ما هم سر تعظیم فرود آورده و خدای منان و نمایندگانش بر روی زمین که همان حکام این کشورند را شکر و سپاس گوئیم؟!

آیا باید تا پایان عمر دست روی دست بگذاریم و شاهد ذره ذره آب شدن خودمان، خانواده هایمان و آرزوهایمان باشیم؟

آیا ما هم باید همه چیز را گردن تقدیر و سرنوشت بیندازیم و بگوئیم قسمت ما تو سری خوردن و قسمت "انها" تو سری زدن بوده است؟! آیا راه دیگری نیست؟

یعنی نمیشود یک بار هم که شده تلاشمان را بکنیم؟

تلاشمان را بکنیم که این کاخ ظلم و جور را برای همیشه و از بن ویران سازیم؟

برآستی ترس از چه چیزی ما را از حرکت به آن سو و رفتن در این مسیر وا میدارد؟ از چه میترسیم؟ میترسیم پولهای کلانمان در بانکها بلوکه شود یا اموال و داراییهای بی شمارمان به مصادره ی دولت درآید؟ کارمان را آن هم با حقوقی میلیاردی از دست خواهیم داد؟ آیا از سفرهای آخر ماه به خارج از کشور محروم میشویم؟ دیگر در فستیوالها و جشنواره های رنگارنگ اجازه ی حضور نخواهیم داشت؟ یا هواپیماها و کشتی های شخصی مان را توقیف میکنند؟!

کمی با خودمان روراست باشیم میترسیم چه چیزی را از دست بدهیم؟ ما که هیچ موقع چیزی نداشته ایم چگونه ممکن است چیزی را از دست بدهیم؟ ما تنها یک چیز داریم و آن هم یک شانس برای تغییر است اگر از این شانس استفاده کنیم ممکن است پیروزی عنقریب باشد و بلاخره از غل و زنجیرها خلاصی پیدا کنیم و البته که احتمال هم دارد در این مسیر و در راه مبارزه با غول

در شرایط کنونی کشور اگر فقط کمی چشمانمان را باز کنیم و از خواب زمستانی بیدار شویم، برآستی متوجه میشویم در بهترین حالت ما، تنها زنده ایم و خبری از زندگی کردن در این جامعه نیست؛ البته به جز برای قشری خاص که طرف صحبت ما نیستند چرا که آسودگی و رفاه آنها در همین خواب و غفلت ماست. روی صحبت ما با توده هاست ؛ قشرهای زحمتکشی که هرچقدر بیشتر میروند، دورتر میشوند و هرچقدر بیشتر تلاش میکنند بیشتر از دست میدهند! آنها که تمام عمر دویده اند اما هیچگاه نرسیده اند؛ آنها که در سراسر زندگی تنها یک چیز داشته اند و آن ، حسرت نداشته هایشان بوده است.

وضعیت زندگی در این کشور آنقدر اسفناک شده که هرروز اخبار سیاه تر از دیروز میشود، آمارخودکشی ها لحظه به لحظه در سایتها و پیجهای خبری خودنمایی میکند، دزدی ها، اختلاسها، رشوه ها، رانتهای و فسادهای مسئولین نظام از یک سو و زندانی و اعدام شدن بیگناهان از سوی دیگر؛ دانشجویان را به اتهام خواندن سرودی کارگری میگیرند و میبرند و نویسندگان و شاعران را به اتهام گفتن حقیقت میکشند؛ قیمتها ثانیه ای و با روندی سرسام آور اوج میگیرند و هر دم دست ما از کالاهای اساسی زندگی دور و دورتر میشود.

سانسورها بیشتر و بیشتر میشوند و خفقان ، تعریف نوینی پیدا میکند بطوری که حتی جرأت نمیکنیم با نزدیک ترین افراد خانواده هم از مسائل سیاسی کشور بگوئیم. آنقدر زندگی را بر ما سخت کرده اند که گویی در مسابقه ای برای زنده ماندن شرکت میکنیم و تنها هدف ما این است فعلاً دوام بیاوریم. آنقدر ما را ترسانده اند که حتی گاهی خودمان را به بی خیالی میزنیم و خودمان را با این جمله ی احمقانه که : "چه میشود کرد؟

قدرت در دستان ظالم است و چاره ای جز

پیام تسلیت بمناسبت درگذشت فدائی کمونیست رفیق مسعود دقیقی اصل



پیام تسلیت بمناسبت درگذشت رفیق سعید نصیری (سهرابی)



با کمال تأسف باخبر شدیم که رفیق سعید نصیری (سهرابی) از ساله فدائی و یکی از فعالین با سابقه جنبش کمونیستی و کارگری ایران بعد از یک دوره مبارزه با بیماری سرطان، روز ۱۷ ژانویه ۲۰۲۲ در استکهلم سوئد چشم از جهان فرو بسته است.

سعید سهرابی مبارزه علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب را از هنگام دانشجویی در دانشکده هنرهای دراماتیک آغاز کرد سپس با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوند یافت و در انشعاب بزرگ درون این سازمان به صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) پیوست و در پی تحولات بعدی در این سازمان با هسته اقلیت همراه شد.

رفیق سعید سهرابی از چهره های آشنای جنبش کمونیستی و کارگری و از فعالین این عرصه بود. سعید در شکل دهی به همکاری ها و اتحاد عمل ها میان نیروهای انقلابی و سوسیالیستی نقش فعالی داشت و از سازماندهندگان شورای دفاع از مبارزات مردم ایران در شهر استکهلم و سازمانده و نیروی ثابت قدم تجمعات و تظاهرات متعدد سال های گذشته در دفاع از مبارزات کارگران زحمتکشان ایران بود و در سخت ترین دوره بیماری نیز سعی میکرد در این تظاهرات و گردهمایی ها حضور داشته باشد و از انجام وظیفه انقلابی خود باز نماند. سعید آثاری نیز در دفاع از سوسیالیسم و جنبش کارگری از خود برجای گذاشته است.

فقدان رفیق سعید سهرابی ضایعه ای است که تنها با ادامه راه وی و تشدید مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم قابل جبران است. ما در سازمان فدائیان کمونیست درگذشت رفیق سعید سهرابی را به خانواده محترم وی، علی الخصوص فرزندان اش، مارال و طلالیه عزیز و رفیق لیلا و همرمز اش رفیق مهرنوش شفיעی که در روزهای سخت بیماری سعید همیشه یار و یاور او بود و نیز رفقای هسته اقلیت و سایر همزمان اش از صمیم قلب تسلیت گفته و خود را در غم و اندوه آنها شریک میدانیم.

یاد و خاطره رفیق سعید سهرابی که زندگی اش را وقف مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم کرد، گرامی و جاودان باد.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

بیست و هشتم دیماه ۱۴۰۰ برابر با ۱۸ ژانویه ۲۰۲۲

با کمال تأسف روز ۲۷ دسامبر ۲۰۲۱ رفیق مسعود دقیقی اصل، یکی از فعالین سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بعد از تحمل یک دوره بیماری در یکی از بیمارستان های شهر گوتنبرگ سوئد چشم از جهان فرو بست.

رفیق مسعود از دوران نوجوانی به صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوست و در جریان انشعاب اقلیت و اکثریت در مرزبندی با جناح سازشکار اکثریت به سچفخا اقلیت پیوست. وی بعد از مدتی فعالیت مخفی دستگیر و زندان و شکنجه را تجربه کرد.

بعد از آزادی از زندان به مبارزه و تداوم انقلاب تارسیدن به آزادی پای فشرد. پس از مدتی ناگزیر از کشور خارج شد و به مبارزه خود در سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ادامه داد و در بخش های مختلف سازمان مسئولیت گرفت و تا آخرین روزهای زندگی اش که توان و انرژی داشت از انجام وظایف انقلابی اش باز نماند اما متأسفانه در آخرین روزها بیماری امان اش را برید و تحمل اش را به پایان رساند.

با درگذشت نابهنگام رفیق مسعود، جنبش کارگری و کمونیستی ایران یکی دیگر از فعالین و یاران با وفای خود را از دست داد.

ما در گذشت رفیق مبارز و همرمز همیشه همراه، رفیق مسعود دقیقی اصل را به بازماندگان اش بویژه همسرش پروانه عزیز که در تمام فراز و نشیب های زندگی با او همراه بود و نیز فرزندش سامان عزیز و سایر اعضای خانواده و دوستان و همزمان اش از صمیم قلب تسلیت میگوئیم و خود را در غم و اندوه آنها شریک میدانیم.

یاد و خاطره رفیق مسعود، کارگری کمونیست و انقلابی که زندگی اش را وقف مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم کرد، گرامی و جاودان باد.

روابط عمومی

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۲۷ دسامبر ۲۰۲۱

هفتم دیماه ۱۴۰۰



درسهائی از اعتصاب تظاهراتی

معلمان فرانسه

مبارزات صنفی و سیاسی خود سود جویند . اگر اتحاد گسترده تشکلهای معلمان فرانسه نمیبود آنها نه تنها قادر به بسیج و به خیابان آوردن توده عظیم معلمان ، کارمندان مدارس و دانش آموزان و خانواده ها نمیبودند بلکه این ضعف و پراکندگی میتواندست دولت را در ادامه سیاست های ضد انسانی اش جدی تربکند .

معلمان در ایران با وضعیت ویژه ای مواجه اند. سرکوب و زندان و فقدان تشکل فراگیر ازیکسو و فشار اقتصادی و سیاسی طاقت فرسائی که بردوش معلمان سنگینی میکند ازسوی دیگر وضعیتی را بوجود آورده است که معلمان برغم جو سنگین امنیتی و بگیری و بیند ها به اعتراضات شان ادامه میدهند و آنها راهی جز اعتصاب و اعتراض ندارند. اعتراضاتی که درمضمون خود هم سیاسی است و هم اقتصادی. و خیلی از مطالبات مطرحه توسط معلمان همچون سایر زحمتکشان بویژه کارگران، خواست های عموم توده های کارگر و زحمتکش درایران است . بسیاری ازخواست ها و شعارهائی که از دل وضعیت کنونی جامعه و جنبشهای روبه رشد درآمده وبدون تحول بنیادی درساختار اقتصادی اجتماعی نظام موجود امکان تحقق ندارند. ازاین رو ضرورت اتحاد معلمان ، بازنشستگان ، کارگران ، دانش آموزان و دانشجویان، بیکاران ، زنان و سایر جنبشهای اجتماعی دریک جبهه انقلابی و اعلام خواستههای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود تحت یک برنامه ای مشترک از ضرورتهائی است که مبارزات کنونی طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه و پیشروی آنها در مسیرتحقق خواست هایشان و خلاصی از نظام ستمگر و استثمارگر حاکم، آنرا ضروری میسازد.

” عمواغلی“

زحمتکش ایران که سالها است برای احقاق حقوق شان و رسیدن به مطالبات و خواسته هایشان دست به اعتراض و تجمع میزنند و خوشبختانه درسالهای اخیر گامهای بلندی درراه همبستگی واتحاد برداشته اند، این است که معلمان فرانسه درتدارک اقدامات خود دست به ابتکاری زدند که نیروهای بیشتری از معلمان ودانش آموزان را متحد کرد . آنها با تشکیل اینترسندیکال هفت سندیکای مختلف معلمان و سه سندیکای دانش آموزان و یک سندیکای خانواده هارا گردهم آوردند و موفقیت این اعتصاب بقدری بود که بسیاری از کارمندان وحتى بازرسان مدارس را نیز بصوف خود کشانید.

اف. اس. ئو (FSU) که بزرگترین سندیکای معلمان از لحاظ تعداد اعضاست در پایان روز اعلام کرد که ۷۵٪ معلمان دبستانها و ۶۲٪ دبیرستانها در اعتصاب بودهاند. همین سندیکا اعلام نمود که ۸۰٪ کارگرانی که در مدارس کار می کنند در اعتصاب بودهاند. وزارت کشور نیز عصر ۱۳ ژانویه اعلام کرد که در ۱۳۶ نقطه کشور ۷۷۵۰۰ معلم و پرسنل مدارس تظاهرات کردند.

البته وضعیت جنبش معلمان فرانسه با ایران که صدای هرآزادخواهی را با زندان و شکنجه و اعدام جواب میدهند و تشکل و تحزب مستقل حتی درحد اتحادیه و سندیکا برای کارگران و زحمتکشان ممنوع است ، فرق بسیاری دارد و اشکال و تاکتیکها و شعارهای مبارزاتی آنها را نمیتوان بصورت مکانیکی با مبارزات معلمان ایران منطبق کرد و یا به مقایسه آنها نشست .

با این وجود جنبشهای اجتماعی در کشورهای دیگر همیشه تجاری دربردارند که پیشروان جنبشهای اجتماعی سایرکشورها ازجمله درایران میتوانند با مطالعه وجمعبندی از آن ازاین تجربیات درجهت اقدامات اعتراضی و

روز 13 ژانویه معلمان فرانسه دراعتراض به فشاری که درشرایط شیوع ویروس کرونا دولت بردوش معلمان و پرسنل مدارس انداخته است دست به اعتصاب تظاهراتی بزرگی زدند . این اعتصاب با فراخوان اتحادیه های معلمان و در اعتراض به تغییر مداوم دستورالعمل های دولت درباره نحوه مدیریت همهگیری ویروس کرونا بویژه سیاست های جدید برگزار شد. به گفته سخنگوی یکی از اتحادیه ها، تغییراتی که در پروتکل های آزمایش کووید در مدارس فرانسه ایجاد شده، نه تنها باعث ایجاد هرج و مرج در مدارس می شود، بلکه جان معلمان را نیز به خطر می اندازد" دراین میان ژان میشل بلانکر، وزیر آموزش فرانسه با انتقاد از طرح اعتصاب آموزگاران گفته بود: «علیه یک ویروس اعتصاب نمی کنند» موضعی که باعث شد بر تعداد اعتصابیون افزوده شود. اما معلمان با گسترش اعتصابات جواب مهمل بافی وزیررا دادند و اعلام کردند که: " اعتصاب آنها علیه همهگیری ویروس نیست بلکه علیه تصمیماتی است که «بدون مشورت» گرفته شده است. سندیکای اف. اس. ئو. یکی ازبزرگترین سندیکاهای معلمان می گوید که دولت به جای ایمن کردن مدارس برای دانش آموزان، معلمان و پرسنل خدماتی ۲۰ ماه ماسک های پارچه ای تأمین نمود، اتوتست هایی به مدارس فرستاد که تاریخ مصرفشان گذشته بود، هیچ کاری برای تهویه اماکن آموزشی نکرد و اصلا اهمیتی به استخدام پرسنل جایگزین نکرد. سندیکای سود ((SUD، یکی دیگر از اعضای اینترسندیکال، افزود که دولت به جای پرسنل جایگزین به بازنشستگان و دانشجویان فراخوان داد".

اما نکته مهم ودرس آموز اعتصاب تظاهراتی معلمان فرانسه برای معلمان و پرسنل

نشریه سیاسی و تحلیلی
کار کمونیستی علاوه بر انعکاس
مواضع، نظرات و تحلیل های
سازمان، انعکاس دهنده مسائل
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و
فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه
های مختلف نیز هست. تحریریه
نشریه از میان مطالب رسیده انتشار
مطالبی را انتخاب و در انجمن
قرار خواهد داد که مستقیماً برای
این نشریه ارسال شده باشند لذا
انتظار داریم انعکاس این مطالب
در سایر نشریات و سایت ها با ذکر
منبع و نام نویسنده صورت گیرد.
از طریق ایمیل آدرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود
را با در میان بگذارید.

kar@fedayi.org

کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان
کمونیست منتشر می شود.
برای تماس با سازمان اتحاد فداییان
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از
آدرسهای زیر تماس بگیرید:

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org



فرارسیدن سال ۲۰۲۲ میلادی را به همه کارگران و زحمتکشانی که این روز را
فرخنده می دانند شادباش میگوئیم.

با امید به این که سال جدید سال گسترش مبارزه طبقاتی برای رسیدن
به دنیائی عاری از ستم و استثمار و زور و سرکوب، جنگ و کشتار، سال
اتحاد و مبارزه برای پایان دادن به تبعیضات جنسیتی، ملی، مذهبی،
سال بیداری، اتحاد و مبارزه گسترده تر اردوی کار و زحمت علیه
اختاپوس سرمایه در سرتاسر جهان باشد.

سرنگون، نظام سرمایه داری حاکم، زنده باد سوسیالیسم

روابط عمومی
سازمان اتحاد فداییان کمونیست
۲۷ دسامبر ۲۰۲۱

کار مسکن آزادی

برای مبارزه سازمان یافته کارگران
وزحمتکشان و برای سرنگونی انقلابی رژیم
جمهوری اسلامی و برقراری سیستم
اقتصادی اجتماعی نوین مبتنی برشوراها
در یک جبهه انقلابی متحد شویم.

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدراتیو شورائی !